

تغییر و تحول طبقاتی

هر انقلابی اگر یک انقلاب واقعی باشد به یک تغییر و تحول طبقاتی منجر می شود. بنابراین بهترین راه آگاه کردن مردم و مبارزه برعلیه آنها که با استمداد جستن از انقلاب، مردم را می فریبند، تحلیل تغییر طبقاتی است که به وقوع پیوسته یا در حال به وقوع پیوستن در انقلاب کنونی است.

از سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۶ در واپسین سالهای تزاریسیم، موقعیت متناسب طبقات روسیه جزء به جزء روشن شد. مشتی زمیندار نیمه فئودال به رهبری نیکلای دوم در قدرت بوده و نزدیک ترین اتحاد را با اشراف مالی که بی سابقه ترین سودها را در اروپا به دست می آوردند و برای منافع آنها، پیمانهای غارتگرانه با کشورهای خارجی بسته می شد، برقرار کردند. بورژوازی لیبرال به رهبری کادتها در اپوزیسیون قرار داشت. آنها از خلق بیش از ارتجاع می ترسیدند، و به وسیله سازش با سلطنت بیشتر و بیشتر به سوی قدرت می خزیدند. خلق یعنی کارگران و دهقانان که رهبرانشان به زیرزمین رانده شده بودند، انقلابی بودند. آنها «دمکراتهای انقلابی» پروولتری و خرده بورژوایی را تشکیل می دادند.

انقلاب ۲۷ فوریه ۱۹۱۷ سلطنت را شست و برد، و بورژوازی لیبرال را که با عقد توافق مستقیم با امپریالیستهای انگلیسی - فرانسوی خواهان انقلابی با عرصه محدود بود، به قدرت نشاند. آنها تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند از یک سلطنت مشروطه با یک سیستم انتخاباتی مفید شده به وسیله شروط گوناگون، فراتر روند و هنگامی که انقلاب واقعاً پیشتر رفت، سلطنت را به کلی منسوخ و شوراها (نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان) را برپا کرد، تمام بورژوازی لیبرال ضدانقلاب شد.

اینک ۴ ماه پس از انقلاب، ماهیت ضدانقلابی کادتها، حزب اصلی بورژوازی لیبرال مثل روز روشن است. هر کس آنها را می بیند، و هر فردی مجبور به تأیید آن است. ولی هر کسی مایل به رو در رو شدن با آن و فکر کردن درباره آنچه که دربر دارد نیست.

امروز روسیه جمهوری دمکراتیکی است که به وسیله توافق آزاد بین احزاب سیاسی که آزادانه از نظرات خود در بین مردم دفاع می کنند، اداره می شود. چهار ماه از ۲۷ فوریه تاکنون، تمام احزاب با هر اهمیتی را یکدست کرده، و شکل نهایی بدانها بخشیده است، [ماهیت] آنها را در طول انتخابات (شوراها و هیئتهای محلی) آشکار ساخته، و رابطه شان را با طبقات مختلف فاش نموده است.

امروز در روسیه، بورژوازی ضدانقلابی در قدرت است، در حالی که دمکراتهای خرده بورژوا یعنی احزاب سوسیالیست رولوسیونر و منشویک «اپوزیسیون اعلیحضرت» (۱) شده‌اند. سیاست این احزاب اساساً سازش با بورژوازی ضدانقلابی است. دمکراتهای خرده بورژوا با پر کردن هیئتهای محلی، برای شروع با آنها، به سوی قدرت بالا می روند (عیناً همانند آنچه لیبرالها تحت سلطه تزاریسیم با اولین به دست آوردن کرسی های زمستوها (۲) انجام دادند). این دمکراتهای خرده بورژوا می خواهند با بورژوازی در قدرت سهیم شوند، بدون اینکه آنها سرنگون سازند. دقیقاً مثل روش کادتها که می خواستند بدون سرنگونی سلطنت با آن در قدرت سهیم شوند. دمکراتهای خرده بورژوا (سوسیالیست رولوسیونرها و منشویکها) با کادتها، بخاطر خویشاوندی نزدیک طبقاتی بین خرده بورژوازی و بورژوازی بزرگ سازش

می کنند. عیناً همان خویشاوندی نزدیک طبقاتی بین سرمایه دار و ملاکی که در قرن بیستم زندگی می کنند، که آنها را در پای پادشاه «محبوب» شان هم آغوش می سازد. این شکل سازش است که عوض شده است. تحت سلطنت این [شکل سازش] خشن بود، و تزار به یک کادت فراتر از حیاط خلوت دوما اجازه پیشروی نمی داد. در یک جمهوری دمکراتیک، که سازش به ظرافتی که در اروپاست درآمده، خرده بورژوازی مجاز می شود پستهای وزارتی بی ضرر (برای سرمایه) را در اقلیتی بی خطر اشغال کند. کادتها جای سلطنت را گرفته اند. تسره تلی ها و چرنف ها جای کادتها را به دست آورده اند. دمکراسی پرولتری در مقام دمکراسی حقیقتاً انقلابی جای گرفته است. جنگ امپریالیستی تحولات را به نحو شگفت آوری شتاب بخشیده است. اگر این جنگ نمی بود، سوسیالیست رولوسیونرها و منشویکها ممکن بود دهها سال حسرت پستهای وزارتی را می کشیدند. به هر حال همین جنگ تحولات بیشتری را شتاب می بخشد، زیرا مسائل را به نحو انقلابی تر از روش فرمیستی مطرح می کند. احزاب سوسیالیست رولوسیونر و منشویک با موافقت بورژوازی می توانستند فرمهای زیادی در روسیه انجام دهند، ولی موقعیت عینی سیاسی جهانی، انقلابی است و با فرمها نمی تواند به پیش رود. جنگ امپریالیستی خلقها را تحت فشار قرار داده است، و آنها را تهدید به خرد کردن کامل می کند. دمکراتهای خرده بورژوا شاید بتوانند بلا را برای مدتی دفع کنند. ولی این تنها پرولتاریای انقلابی است که قادر به جلوگیری از یک پایان تراژیک است.

پراودا شماره ۹۲

۱۰ ژوئیه (۲۷ ژوئن) ۱۹۱۷

توضیحات

۱- عبارت «اپوزیسیون اعلیحضرت» توسط پ.ن. میلیوکف، رهبر کادت بکار برده شد. میلیوکف در سخنرانی ضیافت ناهار شهردار لندن در ۱۹ ژوئن (۲ ژوئیه) ۱۹۰۹، گفت: «تا زمانی که روسیه دارای مجلس مقننه است که بودجه را کنترل می کند، اپوزیسیون روسیه، اپوزیسیونی بر له و نه علیه اعلیحضرت باقی خواهد ماند.»

۲- زمستوها - ارگانهای خودگردان محلی ای بودند که در استانهای مرکزی روسیه تزاری در سال ۱۸۶۴ برپا شدند. آنها تحت تسلط اشراف بوده، و حوزه اختیارشان به امور اقتصادی صرفاً محلی و خیریه محدود می شد: مثل ساختن بیمارستان و راه، آمار، بیمه و غیره، آنها تحت کنترل استانداران و وزیر کشور بودند، که می توانستند از هر تصمیمی که دولت مضر می یافت، جلوگیری نمایند.

کمونیستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>

info@k-en.com